

**تبیین رابطه بین هویت‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی
(مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳)**

محسن نیازی^۱، مرتضی جعفرپور برزکی^۲، الهام شفائی مقدم^۳

چکیده

امروزه، فرهنگ شهروندی به عنوان مؤلفه‌ی کلیدی توسعه اجتماعی و فرهنگی مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. در این میان، احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده هویت فرد و اجتماع است که با ارجاع به مفهوم و مؤلفه‌های شهروندی می‌توان آن را شناسایی کرد. این مفاهیم دارای ارتباط نظام‌دار با یکدیگر و با مفاهیم اصلی شهروندی می‌باشند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه ابعاد سه‌گانه هویت (هویت فردی، اجتماعی و ملی) با میزان پایبندی افراد به فرهنگ شهروندی در جامعه مورد مطالعه می‌باشد.

این مطالعه از نوع پیمایش بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان واقع در سنین فعالیت شهر تهران در نیمه سال ۱۳۹۳ می‌باشد. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۱۱۱۲ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و به صورت تصادفی افراد نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رابطه مثبت و معنی‌دار بین هر یک از متغیرهای هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت ملی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی به ترتیب برابر با ۰,۳۱۲، ۰,۳۸۲ و ۰,۲۷۹ در سطح اطمینان ۹۹ درصد را تأیید نموده است. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بر روی متغیرهای تحقیق، در مجموع، سه متغیر فوق ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین نموده است.

واژگان کلیدی: شهروندی، فرهنگ شهروندی، هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت ملی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۱۰

^۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان (Email: Niazim@kashanu.ac.ir)

^۲. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی (بررسی مسائل اجتماعی ایران)، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) mjb1355@gmail.com

^۳. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی (بررسی مسائل اجتماعی ایران)، دانشگاه کاشان

مقدمه

فرهنگ شهروندی متأثر از سازه‌های انسان‌ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان‌دهنده‌ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۹). فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر سبک زندگی و شکل‌دهنده‌ی تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی‌هم‌رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶؛ کفاشی و کاوسی، ۱۳۸۷).

فرهنگ شهروندی را باید به عنوان یک واقعیت اجتماعی در نظر گرفت تا بتوان شهروندان را به این واقعیت نزدیک کنیم. فرهنگ در این زمینه دارای مؤلفه‌های مشخصی است. برای مثال هر شهروندی باید بتواند از هویت‌های متعددی برخوردار باشد و برای هر یک از این هویت‌ها امکان آزادی بیان بیابد، البته تا جایی که هویت‌های دیگر و حقوق دیگران را به خطر نیندازد. هر شهروندی باید توانایی و آزادی تعیین و انتخاب شیوه زیست، زیستگاه و سبک زندگی خود را داشته باشد. بنابراین، زندگی کردن در شهر، شرایطی را فراهم می‌کند که افراد بتوانند به بهترین وجه به نیازهای کوتاه و بلندمدت خود پاسخ دهند.

فرهنگ شهروندی مانند سایر عناصر فرهنگ با توجه به موقعیت، کارکرد یا وظیفه اجتماعی که بر آن محمول شده، باید بررسی گردد. منظور از فرهنگ شهروندی بیشتر نوع رابطه آن با سایر پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است. این در حالی است که فرهنگ شهروندی در زبان فارسی امروز به اخلاق شهروندی نیز استناد می‌شود، یعنی وظایفی که شهروندان در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی و یا سایر شهروندان و یا حداکثر به نوعی حقوق در قبال دیگر شهروندان دارند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲).

از سوی دیگر، در رویکرد جامعه‌شناختی به هویت، بیش‌تر بر مفهوم رفتار مبتنی بر نقش تأکید می‌شود که مفهوم هویت، از تعامل میان یادگیری نقش اجتماعی و تجربه شخصی برمی‌خیزد و فرآیندی است که در آن شخص با جامعه در سطح وسیعی از معنای هویت، جهت احراز و به رسمیت شناخته شدن، به مذاکره می‌پردازد که در مرحله بعد، این گفتگوها بین گروهی می‌شود. از دیدگاه تاجفل، افراد در درون گروه‌ها مبتنی بر هویت فردی خود رفتار می‌کنند که هم زمان فرآیند انطباق با نگرش گروه (هویت‌یابی) نیز در جریان است. بر اساس نظریه هویت اجتماعی آنگاه که هویت گروه‌ها و اجتماعات غالب شود، راه و رسم و روش‌های فردی محدود شده و هویت فرد تحت تأثیر هویت گروه یا اجتماع تضعیف می‌گردد و احتمال جستجو و یا مذاکره برای برجسته کردن هویت فردی با مشکل مواجه می‌شود (تاجفل، ۱۹۷۹،^۱ به نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۹). آنچه اهمیت دارد این است که در موارد غیراضطراری، لازم است تعامل یا دیالکتیک هویت در جامعه یا در بین گروه‌ها جریان داشته و فرآیند هویت‌یابی برقرار گردد تا پویایی جامعه حفظ شود. در فرآیند هویت‌یابی و در شرایط پویای جامعه، انسان‌ها تابع یک هویت واحد نبوده، بلکه هم زمان دارای هویت‌های متعدد مذهبی، قومی، طبقاتی و شهروندی هستند که از آن به عنوان هویت چهل‌تکه نام برده می‌شود (شایگان، ۱۳۸۰). با وجودی که این هویت‌ها به فرد بازمی‌گردد اما جنبه اجتماعی دارند و بنابراین، ثابت نبوده و در طول زمان دست‌خوش تغییر می‌شوند که در فضاهای شهری این تعدد و درهم‌آمیختگی هویت‌ها به وضوح قابل مشاهده است (تاجبخش، ۱۳۸۷).

بر این مبنای احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده هویت فرد و دولت است که با ارجاع به مفهوم و مؤلفه‌های «شهروندی» می‌توان آن را شناسایی کرد.

در واقع، برای درک بهتر مفهوم شهروندی، می‌توان عناصر اصلی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این ارتباط، مفهوم شهروندی حداقل شامل چهار عنصر اصلی هویت ملی^۲ (مجموعه‌ای از خصوصیات و یا ویژگی‌هایی که انتظار می‌رود شهروندان آن را دارا

1. Tajfel

2 National identity

باشند و عمدتاً این ویژگی‌ها با هویت جمعی یک جامعه ارتباط دارد، تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی^۱ (مجموعه‌ای از خصوصیات و وابستگی‌هایی که در درون یک جامعه وجود دارد و می‌توان از طریق این تعلقات و احساسات، ویژگی‌های کلی شهروندان یک جامعه را تعریف کرد)، نظام اثربخش حقوقی^۲ (یک ساختار حقوقی که هدف آن، تضمین برابری شهروندان در یک نظام اجتماعی است) و مشارکت مذهبی و سیاسی^۳ (توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و فعالیت‌هایی که انتظار می‌رود یک شهروند آن‌ها را دارا باشد و بتواند به کمک آن‌ها، تعهد و الزام خود را به اداره جامعه‌ای که خود عضوی از آن است را به طور عملی نشان دهد) است. این مفاهیم دارای ارتباط نظام‌دار با یکدیگر و با مفاهیم اصلی شهروندی می‌باشند (طالب‌زاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲: ۲۱۴-۲۱۶). با توجه به مباحث فوق، هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه ابعاد و لایه‌های سه‌گانه هویت (هویت فردی، اجتماعی و ملی) با میزان پایبندی افراد به فرهنگ شهروندی در جامعه مورد مطالعه می‌باشد.

ملاحظات نظری

در این بخش، ابتدا به بررسی مفهوم شهروندی، انواع سه‌گانه هویت شامل هویت فردی، اجتماعی و ملی پرداخته شده است. پس از آن چارچوب نظری تحقیق مبنی بر رابطه بین هویت و فرهنگ شهروندی ارائه گردیده است.

۱. **فرهنگ شهروندی:** لازمه حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی همانند مسئولیت‌پذیری شهری، قانونمند بودن شهروندان و هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی است و این مقولات جزء ضرورت‌های زندگی شهری می‌باشند. به طوری که همه اجزای یک زندگی شهری با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربردهای شهری لازم است که سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند. نکته اساسی در تبیین بعد فرهنگ شهروندی این است که نمی‌توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد، همان‌طور که فالکس معتقد است؛ شهروندی یک مفهوم پویاست که برای تأمین واقعی آن باید به فراسوی دولت بسط یابد و فرهنگ در بررسی آن مورد توجه قرار گیرد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲).

در فرهنگ شهروندی با مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی روبرو می‌شویم که انعطاف‌پذیری بسیاری دارند. این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگ شهری یا خرده‌فرهنگ‌های شهری است و باعث شده است که روش‌شناسی مطالعه فرهنگ شهروندی با نوعی تطبیق که امکان مقایسه بین تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگ شهروندی یک شهر را بیان می‌کند، امکان‌پذیر باشد. این امر بیانگر این است که فرهنگ، امری شهروندی است که از یک فرد تا مجموع بزرگی از گروه‌های جامعه که به طور نسبی قابل بررسی است را مطالعه می‌کند. از نظر ترنر شهروندی فرهنگی به مشارکت فرهنگی افراد در جامعه مربوط می‌شود و شهروند فرهنگی کسی است که خود را نسبت به مشارکت در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه مسئول بداند (نقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۴). گوی ارمه معتقد است که فرهنگ شهروندی دارای سه ویژگی است. اولین ویژگی این است که شهروندی باید از پیش بر یک الفبای مقدماتی، یعنی بر اساس شناخت‌های حداقل از تاریخ و محیط پی‌ریزی شود. به عبارت دیگر، شهروند باید قادر شود تا به سوی بیرون بنگرد، پنجره را بگشاید، در انزوای زندگی نگیرد و فقط با همسایگان نزدیک خود به معاشرت نپردازد. دومین ویژگی کلی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد سلوک دموکراتیک حقیقی، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش‌های اخلاقی است. شهروند نه تنها باید به حقوق خود بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد. ویژگی سوم که اهمیت بنیادی نیز دارد، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت دو ویژگی قبلی است و نوعی ویژگی تکلیف‌مدارانه است. در جامعه‌ای که به نظر پوپر دموکراتیک است و کثرت‌گرایی و آزادی حاکم می‌باشد، اخلاق مدنی بیشتر با جامعه سازگاری دارد (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۱).

¹ Social, Cultural and Superanational Belonging

² Effective system of rights

³ Religious and political participation

۲. **هویت:** در قرائت جامعه‌شناختی، نکته‌ی اساسی هویت این است که «هویت-من» پایدار با فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. در روند کسب «هویت-من» انسان دارای آن دسته از مهارت‌هایی می‌شود که برای کنش مستقل در جامعه ضروری است (شفرز، ۱۳۸۴:۱۱۳). به نظر می‌دهد، مجموعه‌ی ویژگی‌هایی که فرد برای خود برمی‌شمارد در تعامل با دیگران و در سطح جامعه شکل می‌گیرد. با یادگیری زبان و در مراحل مختلف اجتماعی شدن، هویت فرد یا تصور او درباره خودش شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۷۹).

با توجه به گستردگی مفهوم هویت، دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی ابعاد مختلف را در ارتباط با هویت ارائه نموده‌اند. بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را در درجه‌ی نخست امری فردی و شخصی می‌دانند. اکثر این نظریه‌پردازان، هویت اجتماعی را انکار نمی‌کنند، بلکه این دو نوع هویت را متمایز و مستقل از یکدیگر قلمداد می‌کنند. از این دیدگاه، هویت عبارت از «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲) به نقل از جاکوبسن، ۱۹۹۸: ۹). هویت افراد در طی فرایند رشد شکل می‌گیرد. این هویت در متن اجتماع و فرهنگی رشد می‌کند که فرد در آن جامعه‌پذیر شده است (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۷). در واقع، هویت به معنی "چه کسی بودن"، از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشأت می‌گیرد. این احساس نیاز به تعلق، نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فرد وجود دارد (مجتهدزاده، ۱۳۷۷).

هویت فردی در مجموع به نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرایند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند. این خودآگاهی به صورتی نسبتاً سازمان یافته به مثابه بخشی از نظام شخصیتی حائل و واسطه‌ی بین دنیای برونی و درونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطه او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را تعدیل می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱۰۷). گیدنز معتقد است «هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تطمیع‌کننده‌ی نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۷).

در مقابل، هویت اجتماعی به رابطه بین خود و دیگران یا گروه‌های اجتماعی دیگر اشاره دارد (گیدنز، ۱۳۷۸). مقایسه میان خود با دیگران موجب می‌شود که به تفاوت‌های میان خود و آن‌ها یا تفاوت‌های گروه اجتماعی خویش و گروه اجتماعی دیگری واقف شده و هویتی منحصر به فرد و متمایز برای خویش قائل گردیم (مرشدی‌زاده، ۱۳۷۹: ۹). آگاهی فرد از اینکه عضوی از یک گروه یا جامعه است نخستین گام در تکوین هویت گروهی یا اجتماعی او به شمار می‌رود. می‌توان گفت هویت گروهی برای یک گروه به منزله‌ی شخصیت برای یک فرد است (شرفی، ۱۳۸۰: ۱۰۹). کاستلز معتقد است «اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲). کروکن و لوتانن (۱۹۹۲) عقیده دارند که «احساس عزت نفس جمعی همگانی، عامل بسیار مهمی در نحوه شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی مردم هر کشور است» (بارت، ۱۳۸۱: ۱۶).

در واقع، هویت‌های جمعی دو نقش متفاوت در ارتباط با شبکه روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. اگر هویت‌های جمعی در جهت ارزش‌ها و قواعد محوری نظام اجتماعی عمل نموده و با یکدیگر به تعامل بپردازند، بالاترین سطح هویت جمعی یعنی هویت اجتماعی تحقق می‌یابد (شاه‌طالبی و قیابچی، ۱۳۹۲: ۱۴۶). تاجفل^۱ معتقد است، هویت اجتماعی افراد به وسیله‌ی گروهی که به آن تعلق دارد تعیین می‌شود و این هویت تابعی که ویژگی‌های فرهنگی آن گروه مبتنی بر تفسیر درون گروه و برون گروه می‌باشد (اسمیت^۲، ۱۹۹۳: ۷۷).

1. Tajfel

2. Smith

هویت اجتماعی معرف آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد یا ضمیر "ما" خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابرش احساس تعهد و تکلیف می‌کند و بخشی از هویت او را تشکیل می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۷۴:۱). این نوع هویت مهم‌ترین ویژگی هر ملت، فرهنگ، تاریخ و سرزمین مشترک است. کاربرد هویت اصولاً هنگامی خود را نشان می‌دهد که منافع، موقعیت، آبرو و اعتبار و به طور کلی، جزئی از متعلقات و وابستگی‌های فرد، تهدید شده باشد (مهیمنی، ۱۳۷۹:۳۰۶).

بر این اساس، هویت ملی نیز فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دایمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی خود است (باوند، ۱۳۷۷). هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (صنیع اجلال، ۱۳۸۴:۱۰۴). از دیدگاه چلبی (۱۳۷۸:۳۱) «احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا ملی به افراد هویت جمعی می‌بخشد». به عبارت دیگر، هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارت از: «سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» می‌باشند (یوسفی، ۱۳۸۰:۱۷). هویت ملی هر فرد هم به صورت بخشی از کل هویتش در رابطه با جامعه‌ای که بدان تعلق دارد و یا احساس می‌کند که تعلق دارد، شکل می‌گیرد (رواسانی، ۱۳۸۵:۱۹). هر ملتی که از دیرباز در سرزمینی مشخص استقرار یافته باشد، طی تاریخ خود دارای مجموعه‌ای از علایق و ویژگی‌های منحصر به فرد شده که موجب تشخیص یافتن و تمایز آن از ملت‌های دیگر شده است و در تعریف خود و شناساندن خود به دیگران به چنین ویژگی‌هایی توسل می‌جوید. این ملت را می‌توان دارای هویت ملی دانست که از ترکیب تدریجی ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده آن طی نسل‌های متوالی ایجاد شده است (ربانی، ۱۳۸۱:۸۸). در مجموع می‌توان گفت هویت ملی مجموعه‌ای از ارزش‌های متعالی است که یک ملت در جریان تاریخ هستی خود، در سرزمین مشخص به جا گذاشته‌اند. بنابراین هویت ملی، آیین تمام نمای چهره یک ملت است که از بودن، زیستن و ماندن آن در جغرافیای مشخص تاریخی بحث می‌کند (لک، ۱۳۸۵:۱۱۳).

۳. هویت و فرهنگ شهروندی: امروزه فرهنگ شهروندی به عنوان مؤلفه اساسی توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی منشوری چند بعدی است که از عوامل اجتماعی و فرهنگی متعددی تأثیر می‌پذیرد. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه هویت فردی، اجتماعی و ملی شهروندان می‌باشد. تئوری‌های فرهنگ شهروندی متکی بر چند واقعیت است. بر این اساس، شهروندی یک مفهوم پویایی ناشی از بسترسازی اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی، حقوقی و سیاسی در شهر می‌باشد. این مسئله منجر به شکل‌گیری هویت شهروندی گشته که سابقه‌ای طولانی را در قالب اندیشه‌های متفکران اجتماعی دارد. فرهنگ شهروندی مفهوم بنیانی زندگی شهری در جامعه مدنی است. بر این اساس، شهروندی در جامعه مدنی عبارت از عضویت در جامعه ملی که موجب به وجود آمدن مجموعه‌ای از حقوق برابر مبتنی بر عدالت در یک جامعه است، می‌باشد.

شهروندی در تحول تاریخی خود راه پرفراز و فرودی را پیموده است. اما صرف‌نظر از آنچه که می‌توان در روند تغییر جوامع به آن توجه کرد، باید به نوع ساختار مفهومی که برای تعریف و تبیین شهروندی در این گستره عرضه شده نیز پرداخت. در بررسی تحولات نظری این مفهوم می‌توان دو مدل مفهومی شامل مدل لیبرالیسم و مدل جمهوری خواهی مدنی را از هم تفکیک کرد. مفاهیمی که در هسته مشترک سنت لیبرالی در ارتباط با بحث شهروندی باید مدنظر قرار داد حقوق، آزادی، عقلانیت و خودمختاری است. در حقیقت متفکران لیبرال شهروندی را درخور فرد خودمختاری دانسته‌اند که از محدودیت‌های درونی و بیرونی رها بوده و بر مبنای عقلانیت رفتار می‌کند. شهروندی هر دو عنصر فردگرایانه و جمع‌گرایانه را در خود دارد. لیبرال‌ها بدین دلیل شهروندی را ارزشمند می‌دانند که با اعطای حقوق، فضای لازم را به افراد می‌دهد که فارغ از هرگونه دخالت، منافع خود را دنبال نمایند. در حالی که مفاهیم اصلی در سنت جمهوری خواهی مدنی شامل تعهدات و وظایف، مشارکت، وابستگی متقابل و عدالت اجتماعی می‌باشند. در اندیشه

جمهوری خواهان شهروندی دربردارنده مسئولیت‌ها و تکالیف اعضای اجتماع سیاسی در قبال یکدیگر، اجتماع و دولت است که فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت در امور مختلف را ایجاب می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۴).

در سنت اجتماع‌گرایی^۱ افراد به لحاظ اخلاقی و منطقی بر اجتماع اولویت ندارند، چرا که بسیاری از نام و نشان‌های خود را از اجتماع کسب کرده، در اجتماع پرورش می‌یابند، آگاهی یافته و نقش‌هایی را که به لحاظ اجتماعی تعریف شده، انجام می‌دهند. در حقیقت، زندگی افراد و هویت آنان به عنوان شهروند، به دلیل بقاء و دوام اجتماع بوده و ضرورتاً هویت اجتماع بر هویت افراد ارجحیت دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد، به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسئولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، دربردارنده انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز هست (اولفیلد^۲، ۱۹۹۰).

شوارتزمنتال^۳ (۲۰۰۳) در دفاع از رویکرد جمهوری خواهانه، آن را فراخوانی برای تقویت هویت مدنی و شهروندی مشترک می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که اگرچه هویت ملی (ملی‌گرایی) در ایجاد احساسات مشترک سیاسی یکی از عوامل اساسی است، اما این ملی‌گرایی مدنی است که در ترغیب احساسات مربوط به شهروندی و هویت سیاسی مؤثر است. در این راستا وی با دعوت به تقویت سیاست‌های دموکراتیک در ایجاد نهادهای مدنی، احیای بستر مناسب جهت مشارکت افراد در جمهوری‌های جدید را توصیه می‌کند.

بر خلاف اجتماع‌گرایان، تفکر لیبرالیستی فردگرا است، افراد اولویت هستی شناسانه، شناخت‌شناسانه و اخلاقی دارند و به عنوان موجود خودمختار و عقلانی تعریف می‌شوند. هویت شهروندی در این رویکرد به این دلیل ارزشمند است که با اعطای حقوق به افراد، فضای لازم را برای دنبال کردن منافع فردی و آزادی‌های شخصی فراهم می‌آورد.

شهروندی موقعیتی است که در آن به حقوق فردی تأکید می‌شود که بر اساس آن جایگاه فرد در برابر دولت و سایر شهروندان تعریف می‌شود. این حقوق به افراد فرصت می‌دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مثل انتخابات، تشکیل هیئت‌های پارلمانی و... دنبال کنند (شیانی، ۱۳۸۱).

بر این اساس، شهروندی از یک سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد (کاستلز و السیتر، ۱۳۸۲؛ روچ، ۲۰۰۲؛ گروسمن، ۲۰۰۰؛ جانوسکی و همکاران، ۲۰۰۲).

در مجموع، آنچه از تعریف فرهنگ شهروندی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و تشخیص حقوق و تعلقات شهروندی است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶) بیانگر تعلق و تعهد به سازه‌ها و عناصر یکپارچه‌سازی (میراث مشترک) است که می‌توان از آن تعبیر به هویت کرد (ابوالحسنی، ۱۳۸۶).

ملاحظات تجربی

در ارتباط با مفهوم شهروندی و به‌ویژه فرهنگ شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن چون هویت شهروندی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در این بخش به نمونه‌هایی از این تحقیقات پرداخته شده است.

مطالعات میدلتون^۴ (۲۰۰۳) نشان داده است که نیاز ضروری شهروندان فراگرفتن مهارت‌هایی برای شهروندی از قبیل توانایی گفت-وگو، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب صحیح، مهارت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی، به دست آوردن سرمایه، انتخاب همسر متعهد به

1. Communitarianism

2. Oldfield

3. Schwarzmatal

4. Middleton

جامعه، استفاده از فناوری به عنوان یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت شهروندی، مسئولیت در برابر توسعه، مشورت در انتخاب کار، تبلیغات و بازاریابی می‌باشد (سپانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۷). لی^۱ در سال ۱۹۹۹ تحقیقی را در سطح آسیا انجام داد و ویژگی‌های زیر را برای شهروند خوب بودن لازم دانست: آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه، مشارکت فعال در امور جامعه، مسئولیت‌پذیری، رفتار مبتنی بر اخلاق، پذیرش انتقاد، توانایی انتقاد، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، آگاهی از حکومت و دولت، حس وطن‌پرستی، پذیرش مسئولیت خانواده، آگاهی و دانش نسبت به جامعه جهانی، احترام به تنوع و تکرر فرهنگی (نیکنامی و مدانلو، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

همت و استهیلی (۲۰۱۱) طی پژوهشی در آفریقای جنوبی با عنوان «احترام و مسئولیت‌پذیری: آموزش شهروندی در مدارس متوسطه»، احترام را به عنوان یکی از ارزش‌های دموکراتیک در تربیت شهروندان مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها احترام به خود، احترام به دیگران و احترام به اموال مردم را ارزشی اخلاقی می‌دانند. افراد باید این واقعیت را قبول کنند که با پایبندی به قوانین کشور و احترام به افراد دیگر، دولت و خود، می‌توانند شهروندان خوبی باشند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۹). کر و کلیور^۲ (۲۰۰۴) در دسته‌بندی تعاریف و رویکردها به تعریف شهروندی و تربیت شهروندی می‌پردازند که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون هویت و تعلق ملی و محلی، نیروها و عوامل جهانی و حوادث و اتفاقات جهانی قرار می‌گیرد (قلناش و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

بر اساس مطالعه (شاه‌طالبی و قیابچی، ۱۳۹۲: ۱۴۷) اگر چه هویت ملی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی و تاریخی مؤلفه‌های عیدیه‌ای دارد، اما بعد فرهنگی، مهم‌ترین بعد آن قلمداد می‌گردد. چرا که عناصر فرهنگی هویت ملی موجب انسجام سایر ابعاد می‌شود. هویت ملی یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر شهروندی است.

فاطمی‌نیا (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان "فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال" در پی تبیین این مسئله بوده است که شهروندی و فرهنگ شهروندی حاصل تعهد، مسئولیت‌پذیری و معاونت عناصر و عرصه‌های مختلف جامعه می‌باشد. روش مطالعه در این مقاله کتابخانه‌ای و مطالعه‌ای اسنادی می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نقش شهروندان و انجام تعهدات شهروندی در توسعه‌ی فرهنگ شهروندی بسیار حائز اهمیت است، زیرا که شهروندان عناصر شناور و پویای جامعه محسوب می‌شوند و در عرصه‌های مختلف جامعه حضور دارند. همچنین، هاشمیان‌فر و عجمی (۱۳۹۱) با مطالعه ۴۰۰ نفر از ساکنان بافت حاشیه شهر اصفهان نشان دادند رابطه مستقیمی بین هویت اجتماعی افراد و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه وجود دارد (۲=۰,۴۲). یعنی هر چه افراد دارای هویت اجتماعی بالاتری باشند، میزان فرهنگ شهروندی آنان بالاتر است. علاوه بر آن، نتایج تحقیق محمدی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهش عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران، نشان می‌دهد چهار متغیر اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، هویت فردی و هویت جمعی می‌تواند ۳۸,۳ درصد از واریانس هویت شهروندی را تبیین کند. با توجه به مباحث فوق، فرضیه‌های تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین هر یک از هویت‌های فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان تدوین و مورد بررسی قرار گرفته است.

روش شناسی

این مطالعه از نوع مطالعه پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. در این تحقیق، کلیه شهروندان واقع در سنین فعالیت شهر تهران در نیمه سال ۱۳۹۳ جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. میزان حجم نمونه پژوهش حاضر بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده است. حجم نمونه پس از توزیع پرسشنامه مقدماتی و برآورد واریانس دقیق متغیرها در بین شهروندان حدود ۱۱۱۲ نفر تعیین شده است. در تحقیق حاضر، مناطق ۲۲ گانه تهران به نواحی مختلف تقسیم شدند. سپس بر اساس اطلاعات جغرافیایی و نقشه‌ای شهرداری تهران و مرکز آمار ایران، مناطق مورد نظر به نواحی، محلات و بلوک‌های شهری

1. Lee

2. Kerr & Kleaver

تقسیم‌بندی گردیده و در نهایت با روش نمونه‌گیری تصادفی در درون بلوک‌های انتخابی، سراغ خانوارهای مورد نظر رفته و از یکی از افراد ۱۵ سال به بالای خانواده، پرسشنامه تکمیل گردید.

تعریف متغیرها

فرهنگ شهروندی: فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین، تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۹). در این پژوهش برای سنجش وضعیت فرهنگ شهروندی و میزان برخورداری شهروندان از آن با توجه به پژوهش شاه‌طالبی و همکاران (۱۳۸۸) مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در دو حیطه‌ی ارزش‌های فردی و جمعی (۱۶ مقوله) و هنجارها (۱۴ مقوله) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ با میزان (۰,۹۲) بیانگر روایی طیف می‌باشد.

هویت اجتماعی: هویت اجتماعی به رابطه بین خود و دیگران یا گروه‌های اجتماعی دیگر اشاره دارد (گیدنز، ۱۳۷۸). در این تحقیق برای سنجش هویت اجتماعی پاسخگویان با استفاده از پژوهش نیازی (۱۶:۱۳۸۴) از ۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. روایی طیف با میزان آلفای ۰,۷۲ مورد تأیید قرار گرفته است.

هویت ملی: هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰۴). در این تحقیق برای سنجش هویت ملی پاسخگویان با استفاده از پژوهش آزاد ارمکی و غفاری (۱۳۸۳: ۹۴)، از ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. روایی طیف با میزان آلفای ۰,۷۴۸ مورد تأیید قرار گرفته است.

هویت فردی: هویت فردی در مجموع به نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرایند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند. این خود آگاهی به صورتی نسبتاً سازمان یافته به مثابه بخشی از نظام شخصیتی حائل و واسطه‌ی بین دنیای برونی و درونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطه او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را تعدیل می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱۰۷). در این پژوهش برای سنجش هویت فردی پاسخگویان از ۱۰ گویه (بورک، ۱۹۹۹: ۸۳۷) در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. روایی طیف با میزان آلفای ۰,۷۵۶ مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته‌ها

در این بخش، توصیف و تبیین داده‌های جمع‌آوری شده از حوزه تحقیق و آزمون فرضیه‌های تحقیق ارائه گردیده است.

الف- توصیف داده‌ها: در این بخش، متغیرهای تحقیق در قالب توزیع‌های یک متغیری و برخی از سنجه‌های گرایش به مرکز توصیف شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ۵۶ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۴ درصد زن می‌باشند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۰,۹۶ با انحراف معیار ۸,۲۳ بوده است. ۳۹,۶ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۰,۴ درصد از آنان متأهل می‌باشند. سطح تحصیلات ۰,۹ درصد از پاسخگویان بی‌سواد یا ابتدایی، ۴,۳ درصد سیکل، ۲۴,۳ درصد دیپلم، ۵۹,۸ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۰,۳ درصد فوق‌لیسانس و دکتری می‌باشد. ۷۴,۲ درصد از پاسخگویان شاغل و ۲۵,۸ درصد غیر شاغل بوده‌اند. ۴۱,۵ درصد از پاسخگویان دارای مشاغل دولتی، ۳۴,۵ درصد دارای مشاغل غیردولتی مانند آزاد، کارگر و ... و ۲۴,۵ درصد غیر شاغل می‌باشند. وضعیت اقتصادی و اجتماعی ۳,۷ درصد از پاسخگویان بسیار ضعیف، ۱۵,۵ درصد ضعیف، ۵۲,۷ درصد متوسط، ۲۳,۱ درصد خوب و ۴,۹ درصد بسیار خوب می‌باشد.

در این تحقیق ابعاد مختلف هویت شامل هویت ملی، هویت اجتماعی و هویت فردی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرهنگ شهروندی مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر توزیع پراکندگی هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق ارائه گردیده است.

جدول ۱: توزیع پراکندگی متغیرهای مستقل

مفهوم	شاخص	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار
هویت ملی		۱۰	۱۱.۰۰	۲۷.۰۰	۱۶.۰۰	۲۴.۴۹۲۸	۳.۰۸۵۹۲
هویت اجتماعی		۴	۲.۰۰	۱۲.۰۰	۱۰.۰۰	۱۰.۴۷۸۴	۱.۷۰۴۹۴
هویت فردی		۸	۸.۰۰	۲۴.۰۰	۱۶.۰۰	۱۹.۸۶۲۴	۳.۵۶۰۲۰

با تقسیم دامنه تغییر بر عدد سه با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان هویت پاسخگویان در ابعاد سه‌گانه فوق به دست آمده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی هویت پاسخگویان

موارد	هویت فردی		هویت اجتماعی		هویت ملی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۲۹۳	۲۶,۳	۲۷۹	۲۵,۱	۱۰۰	۹
متوسط	۳۵۷	۳۲,۱	۴۰۰	۳۶	۱۹۸	۱۷,۸
بالا	۴۶۲	۴۱,۵	۴۳۴	۳۸,۹	۸۱۴	۷۳,۲
جمع	۱۱۱۲	۱۰۰	۱۱۱۲	۱۰۰	۱۱۱۲	۱۰۰

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان هویت اجتماعی ۲۵,۱ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۳۶ درصد در حد متوسط و ۳۸,۹ درصد در حد زیاد می‌باشد. میزان هویت ملی ۹ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۱۷,۸ درصد متوسط و ۷۳,۲ درصد در حد زیاد می‌باشد. همچنین، ۲۶,۳ درصد از پاسخگویان دارای هویت فردی در حد کم، ۳۲,۱ درصد در حد متوسط و ۴۱,۵ درصد در حد زیاد می‌باشد.

در جدول زیر توزیع پراکندگی میزان پایبندی شهروندان از فرهنگ شهروندی ارائه گردیده است.

جدول ۳: توزیع پراکندگی میزان برخورداری شهروندان از فرهنگ شهروندی

مفهوم	شاخص	حداقل	حداکثر	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار
ارزش‌های فردی و جمعی فرهنگ شهروندی		۱۶	۴۸	۳۲	۴۰,۷	۶,۱
هنجارهای فرهنگ شهروندی		۱۴	۴۲	۲۸	۳۵,۲	۵,۹
پایبندی به فرهنگ شهروندی		۱۸.۰۰	۹۰.۰۰	۷۲	۷۵.۹۷۲۰	۱۱.۴۶۱۲۱

جدول فوق بیانگر این امر است که میانگین نمرات پاسخگویان در متغیر پایبندی به فرهنگ شهروندی ۷۵,۹۷ با انحراف معیار ۱۱,۴۶ می‌باشد، به گونه‌ای که کرانه پایین نمرات ۱۸، کرانه بالای آن ۹۰ و دامنه تغییر نمرات در جامعه آماری مورد بررسی ۷۲ می‌باشد. با توجه به مجموع گویه‌های فوق و تقسیم جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان پایبندی پاسخگویان به فرهنگ شهروندی به دست آمده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصدی میزان پایبندی پاسخگویان به فرهنگ شهروندی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	موارد
27.8	27.7	308	کم
57.0	29.1	324	متوسط
100.0	42.9	477	زیاد
	3.	3	بی پاسخ
	100.0	1112	جمع

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میزان پایبندی ۲۷,۷ درصد از پاسخگویان به فرهنگ شهروندی در حد کم، ۲۹,۱ درصد در حد متوسط و ۴۲,۹ درصد در حد زیاد می‌باشد. در مجموع، میزان پایبندی ۵۷ درصد از شهروندان به فرهنگ شهروندی متوسط به پایین می‌باشد.

ب) یافته‌های تحلیلی

در این بخش به بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق و آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

۱. تحلیل دومتغیره: در این بخش، رابطه هر یک از متغیرهای هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت فردی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی ارائه گردیده است.

۲. جدول شماره ۵: رابطه بین انواع هویت و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی

جمع	پایبندی به فرهنگ شهروندی			متغیرهای مستقل	
	زیاد	متوسط	کم		
100.0	20.8	33.0	46.2	کم	هویت اجتماعی
100.0	40.1	34.3	25.7	متوسط	
100.0	60.0	22.2	17.8	زیاد	
100.0	43.0	29.2	27.8	جمع	
sig=۰,۰۰۱ r=۰,۳۸۲					آماره
100.0	22.0	26.0	52.0	کم	هویت ملی
100.0	30.3	28.3	41.4	متوسط	
100.0	48.7	29.8	21.5	زیاد	
100.0	43.0	29.2	27.8	جمع	
sig=۰,۰۰۰ r=۰,۲۷۹					آماره
100.0	32.1	20.5	47.4	کم	هویت فردی
100.0	33.1	41.2	25.8	متوسط	
100.0	57.7	25.5	16.8	زیاد	
100.0	43.0	29.2	27.8	جمع	
sig=۰,۰۰۰ r=۰,۳۱۲					آماره

بر اساس جدول فوق، مقایسه میزان فرهنگ شهروندی در حد زیاد در بین افراد دارای میزان هویت اجتماعی متفاوت نشان می‌دهد این میزان در بین افراد با میزان هویت اجتماعی در حد کم، متوسط و زیاد به ترتیب به میزان ۲۰,۸، ۴۰,۱ و ۶۰ درصد بوده است.

بدین ترتیب، با افزایش میزان هویت اجتماعی افراد بر میزان فرهنگ شهروندی افراد افزوده و شاخص‌های فرهنگ شهروندی در بین آنان ارتقاء می‌یابد.

نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برابر با $(r=0,382)$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد مؤید قابل قبول بودن رابطه از نظر آماری بوده و رابطه مثبت و مستقیم بین دو متغیر را نشان می‌دهد.

همچنین، میزان فرهنگ شهروندی در حد زیاد در بین افراد با هویت ملی متفاوت نشان می‌دهد ۲۲ درصد افراد با میزان فرهنگ شهروندی زیاد از هویت ملی پایینی برخوردار بوده‌اند و با افزایش میزان هویت ملی افراد بر میزان فرهنگ شهروندی آنان افزوده شده است. به گونه‌ای که این میزان در بین افراد دارای هویت ملی در حد متوسط به میزان ۳۰,۳ درصد و در بین افراد با میزان هویت ملی زیاد به میزان ۴۸,۷ درصد افزایش یافته است. نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برابر با $(r=0,279)$ و $(sig=0,000)$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی مثبت و معنادار دو متغیر فوق را مورد تأیید قرار داده است.

نتایج تحقیق در ارتباط با رابطه بین میزان هویت فردی و میزان فرهنگ شهروندی شهروندان نشان می‌دهد از مجموع افرادی که میزان فرهنگ شهروندی در حد زیاد برخوردار بوده‌اند ۳۲,۱ درصد از میزان هویت فردی در حد پایین، ۳۳,۱ درصد هویت فردی در حد متوسط و ۵۷,۷ درصد از هویت فردی بالا و مطلوب برخوردار می‌باشند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌گردد با ارتقاء وضعیت هویت فردی افراد بر میزان فرهنگ شهروندی آنان افزوده می‌شود. متقابلاً، مقایسه میزان هویت فردی در بین افراد با فرهنگ شهروندی در حد پایین حاکی از این امر است که درصد بالایی از کسانی که هویت فردی آنان از وضعیت نامناسبی برخوردار است (۴۷,۴ درصد)، از شاخص‌های فرهنگ شهروندی در حد پایین برخوردار بوده‌اند. همبستگی دو متغیر فوق از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته است، نتایج ضریب فوق برابر با $(r=0,312)$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود همبستگی مثبت و مستقیم دو متغیر فوق را تأیید می‌نماید.

۳. رگرسیون چندگانه: در انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره میزان فرهنگ شهروندی در بین شهروندان، در مجموع، ۳ متغیر هویت ملی، هویت اجتماعی و هویت فردی وارد معادله گردیدند. هر سه متغیر وارد شده در معادله در سطح آلفای ۰,۰۵ معنادار تشخیص داده شده و در معادله باقی مانده‌اند.

نتایج مربوط به رگرسیون عوامل مؤثر بر پایداری پاسخگویان نسبت به فرهنگ شهروندی با روش گام به گام در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۶: نتایج ضریب تعیین عوامل مؤثر بر پایداری به فرهنگ شهروندی بر اساس رگرسیون گام به گام

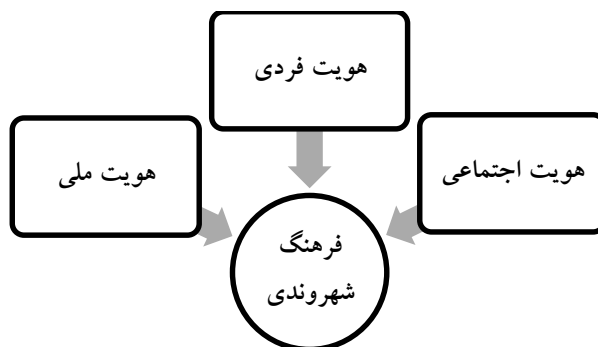
متغیر	ضرایب خام		t	Sig	ضرایب استاندارد	
	B	Std. Error			Beta	
مقدار ثابت	37.080	2.742	13.525	.000		
هویت اجتماعی	1.851	219.	8.453	.000	.276	
هویت فردی	633.	094.	6.752	.000	.197	
هویت ملی	283.	119.	2.368	.018	.076	
P=0,000		F=85,265		R=0,434 R Square=0,188 Adjusted R Square =0,186		

بر اساس جدول فوق، در مجموع، سه متغیر مستقل تحقیق (هویت فردی، اجتماعی و ملی) ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق (پایداری به فرهنگ شهروندی) را تبیین نموده است. به گونه‌ای که ضریب تأثیر غیراستاندارد (B) مربوط به متغیر هویت اجتماعی نشان می‌دهد که با یک واحد تغییر در میزان هویت اجتماعی پاسخگویان ۲۷ واحد بر میزان پایداری آنان نسبت به فرهنگ شهروندی افزوده می‌شود و به همین نحو، با یک واحد افزایش در میزان هویت فردی و هویت ملی پاسخگویان به ترتیب ۱۹ و ۷ واحد بر میزان پایداری پاسخگویان نسبت به فرهنگ شهروندی افزوده می‌شود. معادله رگرسیونی معمولی عبارت‌اند از:

پایداری به فرهنگ شهروندی = ۳۷,۰۸ + ۰,۰۷ (هویت ملی) + ۰,۱۹۷ (هویت فردی) + ۰,۲۳۱ (هویت اجتماعی)

اما مطالعه دقیق تر ضریب تأثیر استاندارد (Beta) گویای جهت و به ویژه شدت تأثیر متغیرهای مذکور بر پایداری نسبت به فرهنگ شهروندی است. بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته مربوط به متغیر هویت اجتماعی است که دارای مقدار Beta معادل ۰,۲۷۶ می باشد. در مرتبه دوم تأثیر گذاری، باید از متغیر هویت فردی با دارا بودن Beta معادل ۰,۱۹۷ نام برد و در نهایت هویت ملی با $\beta=0,076$ در مرحله بعدی تأثیر گذاری می باشد.

با توجه به مقادیر T به دست آمده که همگی از سطح معناداری قابل قبولی برخوردارند، می توان با اطمینان قضاوت کرد که بخشی از تغییرات و نوسانات در پایداری پاسخگویان نسبت به فرهنگ شهروندی بر اثر متغیرهای فوق بوده است. بر اساس مدل عوامل مؤثر بر پایداری به فرهنگ شهروندی عبارت اند از:



نمودار ۱: عوامل رگرسیونی مؤثر بر فرهنگ شهروندی

نتیجه گیری

در این تحقیق، رابطه بین هر یک از متغیرهای هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت ملی با میزان پایداری شهروندان به فرهنگ شهروندی مورد تأیید قرار گرفته است. در این ارتباط، ضریب همبستگی پیرسون در رابطه با هر یک از متغیرهای فوق به ترتیب برابر با ۰,۳۱۲، ۰,۳۸۲ و ۰,۲۷۹ وجود همبستگی مثبت و معنی دار متغیرهای فوق با متغیر وابسته تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد را نشان داده است. همچنین، نتایج رگرسیون چندگانه بیانگر این امر است که سه متغیر مستقل تحقیق (هویت فردی، اجتماعی و ملی) ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق (پایداری به فرهنگ شهروندی) را تبیین نموده است. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با مباحث نظری صاحب نظران و نتایج پژوهش های محققین در این رابطه قرابت و همخوانی دارد. از یکسو، بر اساس تفکر لیبرالیستی فردگرا شهروندی به افراد فرصت می دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مانند انتخابات، تشکیل هیأت های پارلمانی و مانند آن دنبال کنند (شیانی، ۱۳۸۱) و از سوی دیگر، بر اساس رویکرد جمهوری خواهی، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، دربردارنده انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز می باشد. علاوه بر این، رابطه بین هویت ملی و اجتماعی با فرهنگ شهروندی و پایداری شهروندان نسبت به مؤلفه های فرهنگ شهروندی در تحقیقات بسیاری از محققین مورد تأیید قرار گرفته است. به گونه ای که شاه طالبی و قیابچی (۱۳۹۱) هویت ملی را یکی از اصلی ترین مؤلفه های اثرگذار بر شهروندی دانسته اند. همچنین، نتایج تحقیقات کاستلز و السیتر (۱۳۸۲)؛ روچ (۲۰۰۲)؛ گروسمن (۲۰۰۰)؛ جانوسکی و همکاران (۲۰۰۲) بیانگر آن است که شهروندی از یک سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد. کر و کلیور (۲۰۰۴) نیز معتقدند شهروندی و تربیت شهروندی تحت تأثیر مؤلفه هایی چون هویت و تعلق ملی و محلی، قرار می گیرد. پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۸۹) هویت جمعی را به عنوان یکی از عوامل تبیین کننده هویت شهروندی معرفی نموده است. نتایج تحقیق هاشمیان فر و عجمی (۱۳۹۱) رابطه مستقیم هویت اجتماعی افراد و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه را نشان داده است.

منابع و مأخذ

۱. ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی، **فصلنامه سیاست**، دانشکده حقوق و سیاست، دانشگاه تهران، شماره ۱۲، ۲۲-۱.
۲. ارمه، گئی (۱۳۷۶)، **فرهنگ دموکراسی**، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات ققنوس.
۳. آزاد ارمکی، تقی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی نسلی در ایران**، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
۴. بارت، مارتین (۱۳۸۱)، شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی، ترجمه محمود شهابی، **رشد آموزش علوم اجتماعی**، دوره جدید، شماره ۲.
۵. باوند، کیوس (۱۳۷۷)، **تاریخ تطبیقی باستانی ایران تا خاتمه شاهنشاهی داریوش سوم**، تهران، انتشارات گوتنبرگ.
۶. تاجبخش، کیان (۱۳۸۶)، **آرمان شهر؛ فضا، قدرت و هویت در اندیشه اجتماعی معاصر**، تهران، نشر نی.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۷۸)، **میزگرد وفاق اجتماعی (۲)**، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال نخست، شماره ۱.
۸. حسنی، محمد؛ موسوی، میرنجف؛ حبیبی قراطیه، سکینه (۱۳۹۱)، سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، سال ۲، شماره دوم.
۹. ربانی، جعفر (۱۳۸۱)، **هویت ملی**، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۱۰. رواسانی، شاپور (۱۳۸۵)، **زمینه‌های اجتماعی هویت ملی**، تهران، مرکز بازنشاسایی اسلام و ایران (انتشارات باز)، چاپ دوم.
۱۱. ریترز، جورج (۱۳۷۷)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دنیای معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
۱۲. سپیانی، عبدالرضا؛ سعادت‌مند، زهره؛ کریمی، فریبا (۱۳۸۶)، شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه فریدون‌شهر با حقوق شهروندی، **دانش و پژوهش در علوم تربیتی**، شماره پانزدهم، ۹۴-۸۳.
۱۳. شاه‌طالبی، بدری؛ چپانچی، اکرم (۱۳۹۲)، تأثیر آموزش‌های شهروندی بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان هشت ساله شهر اصفهان (با تأکید بر نرم‌فزارهای چندرسانه‌ای)، **فصلنامه اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی**، سال ۳، شماره سوم، ۱۵۰-۱۲۹.
۱۴. شاه‌طالبی، بدری؛ قلی‌زاده، آذر؛ شریفی، سعید (۱۳۸۸)، تدوین مولفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی، **فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال دوم، شماره پنجم.
۱۵. شایگان، داریوش (۱۳۸۰)، **افسون‌زدگی جدید (هویت چهل تکه و تفکر سیار)**، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران، نشر فروزان.
۱۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱)، **جوان و بحران هویت**، تهران، انتشارات سروش.
۱۷. شفرز، برنهارد (۱۳۸۴)، **مبانی جامعه‌شناسی جوانان**، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران، نشر نی.
۱۸. شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، تهران، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۳.
۱۹. صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴)، **درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی**، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
۲۰. طالب‌زاده نوبریان، محسن؛ فتحی‌واجارگاه، کوروش (۱۳۸۲)، **مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی**، تهران، نشر آبیژن.
۲۱. عبداللهی، محمد (۱۳۷۴)، بحران هویت و هویت جمعی دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. فاضلی، نعمت (۱۳۸۶)، **شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی**، تهران، نشر نی.
۲۳. فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶)، فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال ۷، شماره بیست و ششم.

۲۴. قلاتش، عباس؛ صالحی، مسلم؛ محمدجانی، صدیقه (۱۳۹۲)، بررسی میزان برخورداری دانش آموزان دختر پایه سوم متوسطه از مهارت-های شهروندی، **فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه**، سال ۴، شماره سه.
۲۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، **جامعه شبکه‌ای و عصر اطلاعات**، جلد دوم: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
۲۶. کاستلز، استفان؛ السیتر، دیویدسون (۱۳۸۲)، **مهاجرت و شهروندی**، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۲۷. کفاشی، مجید؛ کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷)، تأثیر مدیریت امکانات شهری بر فرهنگ شهروندی، **پژوهشنامه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری**، مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۳۸-۵۸.
۲۸. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، **جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران**، نشر نی.
۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۳۰. لک، منوچهر (۱۳۸۴)، بازتاب کارکرد هویت‌بخش زبان فارسی در شعر؛ مطالعه موردی سبک خراسانی و عراقی، در: **گودرزی، حسین (۱۳۸۴)، گفتارهایی درباره زبان و هویت**، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
۳۱. لک، منوچهر (۱۳۸۵)، رویکردی به گونه‌شناسی شعر ملی در عصر مشروطه، در: **گودرزی، حسین (۱۳۸۵)، گفتارهایی درباره انقلاب مشروطه و هویت ملی**، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۳۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷)، هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال دوازدهم، شماره ۱۲۹-۱۳۰.
۳۳. محمدی، محمدعلی؛ سیانی، ملیحه؛ روشن‌فکر، پیام (۱۳۸۹)، عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران، **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره ۳۸: ۶۵-۸۸.
۳۴. مرشدی‌زاده، علی (۱۳۷۹)، نگرش نخبگان آذری نسبت به هویت ملی و منطقه‌ای، **پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی**، دانشگاه تهران.
۳۵. مهیمنی، محمدعلی (۱۳۷۹)، **گفتگوی تمدن‌ها**، تهران، نشر ثالث.
۳۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۴)، نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی، تهران، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۸۳.
۳۷. نوابخش، مهرداد و دیگران (۱۳۹۱)، بررسی ابعاد هویتی سه گانه (محل، ملی و جهانی) در بین جوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی استان آذربایجان شرقی، **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال پنجم، شماره اول.
۳۸. نیکنامی، مصطفی؛ مدانلو، یاسمن (۱۳۸۷)، تعیین مؤلفه‌های آموزش شهروندی در دوره راهنمایی تحصیلی جهت اراده یک چارچوب نظری مناسب، **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، سال ۲، شماره یک، ۱۶۴-۱۳۷.
۳۹. هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ عجمی، شهرزاد (۱۳۹۱)، بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان، **فصلنامه مطالعات شهری**، سال ۲، شماره سوم، ۲۳۰-۲۰۹.
۴۰. یوسفی، علی (۱۳۸۰)، روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۸، سال دوم.

41. Grossman D. (2000), the global and the local in partnership: Innovative approaches to citizenship education. Paper presented at the sixth Unesco- Aceid, international conference on education, Bangkok, Thailand.
42. Jacobson, J. (1998), Islam in Transition. London: Rutledge.
43. Janoski, T, Gran B (2002), Political citizenship: foundations of rights, handbook of citizenship studies, Sage publications, New Delhi, 13-53.
44. Lee, W, O. (1999), Qualities of Citizenship for the new century: Perception of Asian Educational Leaders. Paper Presented at the Fifth UNESCOACEID International Conference on Reforming Learning, Curriculum

45. Middleton, J. (2003), Citizenship toolkit Provides much needed support, URL: [http. www.Enrich UK. Net news/ article/ 30](http://www.Enrich UK. Net news/ article/ 30).
46. Oldfield. A (1990), Citizenship And Community: Civic Republicanism And The Modern World ,London: Routledge
47. Roche. M (2002), Social cCitizenship: Grounds of social change handbook of citizenship studies, Sage publications, New Delhi, 69-86.
48. Schwarzmantel, John (2003), Citizenship and Identity: Towards a new republic, Routledge
49. Smith, Peter B & Bond Michel, H. (1993), Social Psychology across Centuries, London: Oxford University Press.
50. Tajfel, Henri; Turner, John (1979), an Integrative Theory of Intergroup Conflict, in Austin, William G.; Worchel, Stephen; the Social Psychology of Intergroup Relations. Monterey, CA: Brooks-Cole. pp 94-109.